



## چند نکته در سند پژوهی و نقدی بر بازخوانی (!) یک سند

سروش هاشمی

در میان اسناد خاندان سادات سمنان (معمدی، هاشمی و...) وقفنامه کهنی از قرن نهم هجری وجود دارد. این سند با توجه به کمبود اسناد پیش صفوی و به ویژه برای مطالعات تاریخ وقف ایران دارای اهمیت و ارزش بسیار است. کپی نسخه این سند را سال گذشته به مناسبت واحد درسی «خواندن خطوط و کتیبه های اسلامی» در کلاس استاد ارجمندم آقای شیخ الحکمایی، معرفی کرده و به پیشنهاد و راهنمایی ایشان آن را بازنویسی کردم. واقف این سند قاضی رکن الدین عمیدالملک سمنانی و تاریخ آن ۸۷۰ هجری قمری است. سند دارای ۳۸۳ سطر و بیش از یکصدوهفت سطر است. انتشار غیر حرفه ای متن این سند، مرا بر آن داشت تا بخشی از متن چاپ شده را مرور کرده و برخی اشکالات آن را طبقه بندی کنم. آنچه در پی می آید، نکاتی است که در باب بازنویسی اسناد در قالب بازخوانی این سند آموخته ام. بی توجهی به این نکات در سند چاپ شده، مرا بر آن داشت تا این یادداشت را بنویسم و به این بهانه ضرورت تدوین آیین نامه ای برای پژوهش و تصحیح متن اسناد را یادآوری کنم. قابل ذکر است که نمونه های ارائه شده در ذیل تنها حاصل بررسی یک صد سطر (از ۳۸۳ سطر) متن سند و بخشی از سجلات است.

### آشنایی با خط و سبک نگارش

بدیهی است شرط اول بازخوانی درست یک سند، آشنایی با خط است. اسناد هر دوره ویژگی های نوشتاری خود

را دارند و عدم توجه به این موضوع و آشنایی تخصصی با خط، می تواند چنین خطاهایی را در پی داشته باشد. اگرچه علاوه بر خط، آشنایی با سبک نگارش و ادبیات هر دوره نیز امری ضروری است. کلمات ذیل در سند مذکور به خاطر عدم آشنایی با خط تعلیق تحریری (که به غلط رقاع معرفی شده است) نادرست خوانده شده و یا ناخوانده مانده است:

متحدته (س ۱۱ و ۲۲): به تجدید؛ اعزالاکرم (س ۱۳): اعز اکرم؛ سمت کاریز (۱۵): همین کاریز؛ به اراضی (۱۷): به حد اراضی؛ مغفور... (۱۹): مغفور سعید؛ بر... (۲۱): به فراخ انجام؛ سمت زراعتها (۳۰): همین زراعتها؛ از سمتی و باز به توفیق (۳۱): از سعی بسیار به توفیق؛ ارض موضع (۳۲): ازین موضع؛ جوی مسجد (۳۲): چوب مسجد؛ به زمین مشرف نبود (۴۰): بر آن مشرف نبود؛ ده خراب (۴۶): ديه خراب؛ انبار که متصل می شود (۵۷): اسباب که مفصل می شود؛ دون دو سه قلعه (۶۰): دون و وسط و؛ ... المقابر والمساجد (۶۰): سوی المقابر والمساجد؛ برای اراضی جاری (۶۳): بر آن اراضی؛ ازین در (۶۴): از آن دره؛ الححصه... (۶۹): المحصه والمنقشه؛ والملکیتة (۷۰): والمکتبة؛ المسقفة و... (۷۰): المسقفة والخربة؛ معدلته و... (۷۶): معدلته و نصفته؛ ابن حاج الحق (۷۸): امیر حاج الحق؛ به ملکیت فرزند (۷۹): تملیک فرزند؛ مقیده مرحوم (۸۸): مقبره مرحوم؛ مزار متبرق سیدین؟ (۹۳): مزار متبرک سی سر؛ شیم مذکور است (۹۳): شمسای مذکور است؛ شارع عام... (۱۰۰): شارع عام و منه الباب؛ مدارات قنات (۱۰۵): مدار آن قنات.

### آشنایی با دانش تصحیح متن و ویرایش

هدف نخست بازخوانی و تصحیح یک متن (نسخ خطی یا اسناد) انتقال صحیح و ویراسته متن است. اگر قرار باشد یک نسخه خطی یا یک سند طولانی (که خود یک رساله محسوب می شود) بدون علائم ویرایشی به خواننده منتقل شود، (آن هم با این همه ناخوانایی و نادرست خوانی) آیا بهتر نیست اسناد و نسخ به صورت عکسی منتشر شوند تا دست کم شیوه قداما در تقسیم بندی مطالب، چون تغییر نوع خط، درشت نویسی و تغییر رنگ و غیره، راهنمای بهتری برای قرائت متن باشد؟ عدم سجاوندی متن بهترین راه گریز از کج فهمی های

متن است. در متن منتشر شده این سند، غیر از علامت سؤال‌های بسیار و چند نقطه‌های فراوان که نشان از ناخوانا بودن متن برای مصحح است، حتی یک علامت ویرایشی به کار نرفته است.

### آشنایی با دانش سیاق

سیاق‌نویسی هر دوره و هر حوزه جغرافیایی، ویژگی‌های خود را دارد. آشنایی با تاریخ و جغرافیای سیاق می‌تواند کار سندخوانی را با دقت بیشتری به انجام برساند. متأسفانه در متن چاپ شده، که تنها چهارده عدد سیاق وجود داشته، بازخواننده تنها یک مورد را درست خوانده است. کاش مصحح این سند صادقانه می‌نوشت که سیاق نمی‌داند تا مجبور نشود زیر کلمه خربزه به جای «دو وقر» «قرآن»؟! بنویسند.

### آشنایی با دانش نام‌شناسی

فردی که سند می‌خواند علاوه بر آشنایی با خط و ادبیات و اصطلاحات هر دوره، برای درست‌خوانی متن نیازمند آشنایی با دانش‌های دیگری نیز هست. یکی از این دانش‌ها که در کشور ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است، دانش نام‌شناسی است. یعنی دست‌کم آشنایی با نظام نامگذاری و آگاهی از این که در هر دوره چه نام‌هایی رواج داشته است. برای اثبات اهمیت این موضوع تنها چند نمونه (از متن صد سطر نخست) ذکر می‌گردد. - مرتضی؟ اعظم: در متن بارها با علامت سؤال همراه شده است. در صورتی که کاربرد این عنوان پیش از نام سادات در این سده بسیار رایج است.

- نصری شاه (ص ۱۰): اگرچه دندانه پیش از شاه در سند بدون نقطه است، اما تردیدی نیست که این نام جز «نصرت شاه» نمی‌تواند باشد.

- مغفور... (ص ۱۹): کلمه خوانده نشده «سعید» است، آوردن این کلمه پیش از نام درگذشتگان در این دوره بسیار رایج است.

- اراضی مهدیقلی (ص ۲۵): یک آگاهی اولیه کافی است تا به نادرست بودن این نام در دوره مورد نظر پی ببریم. این ترکیب بی‌تردید در این دوره کاربردی نداشته است. درست این واژه در سند «مهریقن» است.

- آقاخانه (ص ۴۲): آگاهی از وجود پسوند خاند به ویژه

در نام زنان در این دوره می‌توانست مشکل‌گشا باشد. نام صحیح، «آغاخانند» یا «آقاخانند» است.

- جلال‌الدین مونس (ص ۷۴): با توجه به مذکور بودن لقب جلال‌الدین، بی‌تردید این نام یونس است و نه مونس.

- محمد زرتنگر؟ (ص ۱۰۰): در متن به وضوح محمد زرین‌کمر نوشته شده است.

**نام‌های اماکن:** نام‌های اماکن نیز دارای اصولی هستند که آشنایی با آنها می‌تواند ما را در تشخیص شکل صحیح نام یاری کند. دقت در تکرار یک نام در همان سند نیز بسیار مهم است. موارد صحیح باید چنین باشد:

اسفیجان (۳۰، ۲۴ و...): اسفنجان؛ بدر نویند (۶۴): به دره نویند؛ پشتکوی (۸۴): پشن کوی؛ کنزدر (۴۲): به روز؛ مزرعه عبدالعزیز است (۶۱): مزرعه عبدالعزیزان؛ زمین غیاث‌الدین... (۷۶): زمین غیاث‌الدینان؛ مدرسه مسعودی (۱۰۱): مدرسه مسعودیه.

### دقت در بازنویسی سجلات و آشنایی با زبان عربی

این سند ۱۰۷ سجل دارد که برخی پیش از شروع متن، برخی در حاشیه سمت راست و برخی پس از اتمام متن سند نوشته شده است. اما به تحقیق سجلات تابع متن‌اند و لازم است پس از پایان متن و با روشی یکسان که در همه اسناد قابل پیاده‌کردن باشد نوشته و شماره‌گذاری شوند. اما در بازخوانی موردنظر، برخی پیش از شروع متن و بدون شماره‌گذاری، برخی پس از متن و با شماره‌گذاری و برخی در پایان و بدون شماره‌گذاری آمده‌اند. البته عدم آشنایی با زبان عربی و خط تعلیق باعث بروز اشکالات فراوان در قرائت نام‌ها شده است. حتی گاه یک سجل به دو بخش تقسیم شده و در ذیل دو سجل دیگر نوشته شده است. ظاهراً تنها چیزی که در این بازخوانی مهم نبوده، توجه به معنی جملات بوده است. بازخوان سند برای بسیاری از کلمات ابتدایی عربی چون منهاباب، والحجرات علیها، و الیهالمفتح، صناید، عدم سمیها و... علامت سؤال گذاشته و کلمات و عبارات عربی ذیل را یا با علامت سؤال همراه کرده و یا نادرست خوانده است. مواردی که حتی بدون مراجعه به اصل سند نیز می‌توان آنها را اصلاح نمود (تنها در یکصد سطر نخست):

و اخیاره المرضاة (ص ۵): واخیاره المرتضاه؛ الابرار المحینه (۵): الابرار المجتبه؛ اعز الاكرم (۱۳): اعز اکرم؛

رفع الله روحه (۴۶): روح الله روحه؛ علی واصفه التحیه (۵۶): علی واضعه التحیه؛ فرضاً او تلاوت [دعوات (۵۲): او نقلاً و دعوات؛ ابدی ظلال معدلته (۷۶ و ...): ابدت ظلال معدلته؛ الاعظم الکبر (۷۸): الاعظم الکبیر؛ الحصه (۶۹): المعصه.

محلّی هم راهی طی نشده برای حل این مشکلات است. کتاب‌های ارزشمند تاریخ قومس، عبدالرفیع حقیقت و سیمای استان سمنان علی بنی اسدی، و حتی شیوه‌های تقسیم آب در استان سمنان پناهی سمنانی از جمله این منابع اند.

در پایان یادآور می‌شوم که درست‌خوانی متن یک سند، گام نخست و بخش کوچکی از دانش سندشناسی است، اما این سؤال می‌تواند به‌جد مطرح شود که اگر در قرائت یک سند این مقدار خطا رخ دهد (که به عنوان نمونه و تنها از یکصد سطر نخست نشان داده شد)، چگونه می‌توان به نتیجه‌گیری‌هایی که بر پایه این نوع قرائت تهیه می‌شود اعتماد کرد؟

### شناخت و مراجعه به منابع منطقه‌ای

بیشترین بخش ابهام در اسناد، عموماً نام‌های اشخاص و به ویژه اماکن اند. اگرچه بیشتر نمونه‌های غلط‌خوانی شده این سند از طریق دقت و آشنایی با خط و استمداد از دانش‌های فرعی می‌توانست شناسایی و درست‌خوانی شود، اما مراجعه به تمامی منابع چاپ‌شده

### مشارکت مرکز در همایش‌های بین‌المللی

۱. مشارکت در برگزاری سمینار نسخه‌های خطی عربی در ایران، سوریه ۱۸ و ۱۹ - ۲۰۰۲.
۲. مشارکت در برگزاری اولین سمینار بین‌المللی ایران و اسلام، با همکاری دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، ژاپن، دی‌ماه ۱۳۸۴.
۳. مشارکت در برگزاری دومین سمینار بین‌المللی ایران و اسلام، با همکاری دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، تهران، مهرماه ۱۳۸۵.
۴. مشارکت در برگزاری سومین سمینار بین‌المللی ایران و اسلام با همکاری دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، ژاپن، دی‌ماه ۱۳۸۵.
۵. مشارکت در برگزاری اولین همایش میراث مکتوب و تمدن ماوراءالنهر، قزاقستان ۱۵-۱۶ آبان‌ماه ۱۳۸۵.
۶. مشارکت در سمینار بین‌المللی ایرانشناسی با همکاری آکادمی علوم اتریش، با مدیریت پنل میراث مکتوب و تمدن اسلامی، اول مهرماه ۱۳۸۷.

### تفاهم‌نامه‌های همکاری علمی با مراکز علمی داخل و خارج

۱. تفاهم‌نامه همکاری با انستیتوی ابوریحان بیرونی تاشکند - ازبکستان، ۱۳۷۶.
۲. تفاهم‌نامه همکاری با مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳.
۳. تفاهم‌نامه همکاری با دانشگاه پنجاب پاکستان، ۱۳۸۳.
۴. تفاهم‌نامه همکاری با بخش ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، ژاپن، ۱۳۸۴.
۵. تفاهم‌نامه همکاری با مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی، ۱۳۸۴.
۶. تفاهم‌نامه همکاری با مرکز میکروفیلم نور - دهلی، ۱۳۸۵.

